

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شیخ ازهر و پاپ؛ دو برادر تنی در جنگ علیه اسلام!

(ترجمه)



در هفته اول فروری 2019م در جزیره العرب، شیخ الازهر و پاپ واتیکان تحت نام "اخوت انسانی" پیمانی را به امضاء رساندند. نظریه این دو کلان مرد دینی: «جایگاه و نقشی را که باید ادیان در جهان معاصر داشته باشند و هم چنین مبنای روابط اتباع ادیان را تعیین می کند.» زمانی که توسط شیخ ازهر به عنوان نماینده مسلمانان-زاویه ای که به سبب جایگاه ازهر در میان مردم مصر، از آن به وی نگاه کرده می شود- در جزیره العرب در سرزمینی که اسلام در آن نازل گردیده است، پیمان مذکور به امضاء می رسد؛ به این معنی است که آن ها می خواهند بگویند، این پیمانی است که توسط پاپ نصاری و پاپ مخصوص شما مسلمان ها، شیخ الازهر، به امضاء رسیده است؛ زیرا آنان این را نمی دانند که اسلام دین کاهنیت و روحانیت نیست. آن ها نمی دانند که در اسلام تعبیر رجال دین و یا روحانیون و جود نداشته و هیچ گاه به ایجاد آن تشویق نشده است و نیز آنان این را هم نمی دانند که مسلمانان دین شان را به کسی واگذار نمی کنند که وی دین شان را برای جلب رضایت حکام مزدور به فروش رسانده، به امت خیانت و خود را در آغوش غروب اندازد. شیخ الازهر یکی از آن خائنین بوده و بلکه در سرکردگی آنان نیز قرار دارد و هم چنین فراموش کرده اند که مردم مصر از سابقه این مرد، زمانی که عضو کمیته سیاست های حزب ملی حاکم در زمان مبارک بود، به خوبی آگاهی دارند.

درین شکی نیست که متن این پیمان در راهروهای استخبارات بین‌المللی، با الفاظ و تعبیرات سیکولری و کلیسایی ترتیب یافته و دین جدیدی را پایه‌گذاری می‌کنند؛ دینی که تا کنون نمونه‌ای نداشته و کسی آن را نمی‌شناسد. پناه بر الله! چه گونه کسی که به الله عزوجل ایمان دارد، با کسی که برای الله سبحانه فرزند و یا همسری نسبت می‌دهد، برابر است؟ هرگز چنین برابری وجود ندارد. الله سبحانه از آنچه که به آن نسبت می‌دهند، منزّه بوده و به مراتب بزرگتر است. الله سبحانه و تعالی خالق تمام مخلوقات، دین و حکومتی را بر خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه وسلم، نازل نمود که ادیان قبلی را منسوخ و بدیلی برای آن‌ها قرار گرفته است. درین خصوص الله سبحانه چنین می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾

[مائده: 48]

ترجمه: و این کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند و حافظ و نگاهبان آن‌هاست؛ پس بر طبق احکامی که الله نازل کرده، در میان آن‌ها حکم کن! از هوی و هوس‌های آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان!

و نیز از ابوهریره رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ، ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ، إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ»

(رواه مسلم)

ترجمه: قسم به ذاتی که نفس محمد (صلی الله علیه و سلم) در دست اوست؛ هیچ شخصی نیست که پیام اسلام به او برسد و او یهودی و نصرانی گردد؛ سپس در حالی بمیرد که به شریعت من ایمان نیاورده باشد، مگر آن که از اهل جهنم باشد.

آیا شیخ الازهر از جان‌هایی که درین جنگ صلیبی نوین علیه اسلام گرفته می‌شود، بی‌خبر است و یا این‌که وی در ایجاد این دین جدید مهره‌ای از مهره‌های صلیبی‌ها می‌باشد؟ بلکه وی تنها به اعتراف به وجود الله و پیامبرش بسنده کرده از تعطیل شریعت الله سبحانه و تعالی، دوری آن از صحنه تطبیق و هتک حرمت مقدسات آن، ابایی ندارد و با قتل عام برادران عقیدوی خویش و به تجاوز به زنان آنان، به وسیله‌ای کسانی که آنان را برادران انسانی خود می‌نامد، هیچ مشکلی ندارد. برادر خوانده‌های شیخ ازهر بعد از این‌که برای پرکردن خزانه‌های خود دارائی‌های مردم را غارت کرده، آن‌ها را به فقر و گرسنگی مبتلاء ساختند، نزد برادران شکم‌سیر خود آمده، با مردم گرسنه از سازگاری و انسانیت و از دست کمک پیش کردن سخن

می‌گویند. چرا شیخ ازهر در عوض از غرب نمی‌خواهد که از این فقیران محروم از همه چیز دست برداشته و تهی بساط دارائی‌های شان را برای شان نگهدارد؟ مردم دیگر کمکش را نمی‌خواهند؛ همین بس است که مردم را به حال‌شان بگذارد و خود امور خویش را سامان خواهند داد. بگونه‌ای مثال: چرا مردم سوریه را به حال‌شان نمی‌گذارند؟ چرا آنان را وادار می‌کنند که مزدور امریکا بشار را بپذیرند؟ آیا همانگونه که ادعا می‌کنند، کسانی که بشار اسد آنان را قتل عام می‌کند، برادران انسانی آنها نیستند؟ آیا انقلابیون مسلمان سوری شامل این پیمان ساختگی تان نمی‌شوند؟

چنین پیمانی را جز دشمن الله سبحانه و تعالی، پیامبر صلی الله علیه وسلم، و کتاب و شریعت الله سبحانه و تعالی کسی دیگری نمی‌نویسد و چنین پیمانی را کسی قبول و یا امضاء نمی‌کند، جز کسی که قصد جنگ با اسلام و پیروان آن را داشته و بخشی از جنگ جهانی علیه اسلام و مسلمانان باشد. کسی که نزد شیخ ازهر آمده و او را وادار به امضای این پیمان نموده، کسی است که از دوستی امت و تعلق آن به دینش به خوبی آگاهی دارد. بنابر این، می‌خواهد امت را از زاویه‌ای شیخ‌های سیکولری که در ظاهر عمامه به سر کرده و چین پوشیده اند، صدمه زده و بدین وسیله مردم را فریب دهد. اما خطر این پیمان در قسمت آگاهان امت قابل تشویش نبوده؛ بلکه عوام ساده‌لوح امت؛ کسانی که جذب عمامه شیوخ شده و فریب سمت آنان را می‌خورند، از این پیمان صدمه می‌بینند.

اسلام مانند دیگر دین‌ها نبوده و به آن هیچ دینی برابری نمی‌کند؛ به غیر اسلام هیچ دین دیگری قابل پذیرش نیست. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ... وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

[آل عمران: 19 و 85]

ترجمه: دین در نزد الله، اسلام است... و هرکس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت، از زیانکاران است.

گذاشتن اسلام و ادیان دیگر در یک پله، بدعت خطرناکی می‌باشد. هیچ حاکم مسلمان و هیچ عالم شریعتی جرئت چنین کاری را ندارد؛ مگر ستمکاری که می‌خواهد اسلام را از اصلش جدا کند و گرنه چگونه یک مسلمان با کسی که برای دعوت آن به ایمان به وحدانیت الله سبحانه و تعالی نجات از آتشی که الله وعیدش را داده است، مأمور می‌باشد، برابر است؟ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾

ترجمه: ای کسانی که کتاب(الله) به شما داده شده! به آنچه(بر پیامبر خود را) نازل کردیم(و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست) ایمان بیاورید؛ پیش از آن که صورت‌هایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آن‌ها را از رحمت خود دور سازیم؛ همان گونه که اصحاب سبت(گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل) را دور ساختیم و فرمان الله در هر حال انجام شدنی است!

چگونه این تفاوت‌هایی که الله سبحانه و تعالی بین اسلام و سایر ادیان و پیام‌های دیگر قرار داده است، از میان برداشته می‌شود؟ الله سبحانه و تعالی چگونه خطاب به عامه پیراوان کفر را در آیه‌ای که شیخ ازهر از آن غافل مانده است، چنین بیان نموده:

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾

[کافرون: 6]

ترجمه: آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم!

ای مسلمانان و مخصوصاً شما ای مردم مصر! کسی که چنین پیمان‌هایی را به امضاء می‌رساند، مجاز نیست که به حیث نماینده شما قرار داشته باشد. کسانی مانند این‌ها سزاوار این فرموده الله سبحانه و تعالی می‌باشند:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾

[جاثیه: 23]

ترجمه: آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و الله او را با آگاهی(بر این که شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و برگوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می‌تواند غیر از الله او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید!؟

بلی، این واقعیت مناسب برای شیخ ازهر است؛ کسی که به خود این اجازه را داده است که مهره‌ای در دست غرب بوده و حربه‌ای علیه اسلام و مسلمانان باشد. چه بسا آزادی و عزتی برایش بود؛ اگر او و هیئت‌مدیره ادعایی وی، خواستار تطبیق اسلام در دولت خلافت راشده بر منهج نبوت می‌بودند؛ خلافتی که به خوبی آن را شناخته و از مزایا و ضرورت به آن کاملاً آگاهی دارند. آن‌ها در عوض می‌بایست اردوهای امت اسلامی را خطاب قرار داده و از آن‌ها می‌خواستند که قیادت خویش

را برای کسانی بسیارند که در راستای تطبیق اسلام و تأسیس خلافت راشده و تعیین خلیفه و بیعت به آن برای ریاست عامه کل امت و نائب آنان در تطبیق اسلام تلاش می‌کنند. پس از آن، تنها وثیقه‌ای از پاپ و اتیکان پذیرفته می‌شد که در آن فروتنی‌اش را در برابر احکام اسلام و دولت اسلامی، خود اعلان می‌نمود و حقیرانه امید این را داشت که خلیفه، نماینده به حق مسلمانان، جزیه آن را قبول نماید.

یا الله هرچه زودتر آن روز را بیاور تا عزت خود و ذلت دشمنان خویش را به چشم مشاهده کنیم.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾

[مانده: 48]

ترجمه: و اگر الله می‌خواست، همه‌ای شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی الله می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد)؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی الله است؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید، به شما خبر خواهد داد.

برگرفته از جریده‌الرایه

نویسنده: استاد عبد الله عبد الرحمن

7 جمادی الثانی 1440 هـ.ق

13 فبروری 2019 م